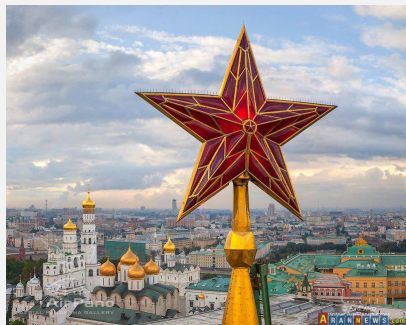


نقش رقابت سیاسی در کرملین در فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان/مسعود صدرمحمدی



چندی پیش کتابی در شرح حیات میرجعفر باقراف مطالعه کردم و به دلیلی اطلاعات قابل توجهی که متضمن آن بود با همراهی یکی از دوستان به فارسی ترجمه کردم.

آران نیوز: چندی پیش کتابی در شرح حیات میرجعفر باقراف مطالعه کردم و به دلیلی اطلاعات قابل توجهی که متضمن آن بود با همراهی یکی از دوستان به فارسی ترجمه کردم. نویسنده این کتاب آدی گوزل ممداف که خود از افسران کا گ ب بوده و پس از بازنشستگی برروی اسناد محرمانه سازمان های امنیتی روسیه و آذربایجان کار کرده است در این کتاب تلاش دارد تا ادعای خود مبنی بر این که میرجعفر بیش از آن که یک جانی باشد یک خادم به ملت آذربایجان بود را اثبات کند. تمام مدعای او این است که "میرجعفر باقراف فردی متمایل به خدمت بود که در یک سیستم ظالم گرفتار آمده بود و بر اساس آن مجبور به برخی جنایات ها شده است" یکی از فصلهای این کتاب که تلاش دارد تا خدمات میرجعفر را ذکر کند در خدمات او در استقلال آذربایجان ایران است که این فصل از منظر شرح فعالیت های میرجعفر باقراف در تشکیل فرقه دموکرات از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. آدی گوزل معتقد است که فرآیند ایجاد فرقه دموکرات در ایران نتیجه رقابتی سیاسی در کرملین میان جناح ارتشی ها و جناح امنیتی ها شوروی بود. جنگ جهانی دوم عرصه ای شد تا استالین روی خوشی به ارتش سرخ نشان دهد و ارتش و جناح سیاسی آن در نتیجه فتوحاتی که در مراحل پایانی جنگ به دست آورده بودند با توجه به حجم نزدیکی ای که با استالین پیدا کردند به عنوان اوتوریتیه سیاسی در کشور مطرح شدند. این وضعیت نمی توانست از منظر جناح امنیتی های کرملین که پس از نلین با جناح ارتش همواره در حال رقابت بودند چندان مطلوب باشد. پس جناح امنیتی تصمیم میگیرد تا طی یک عملیات بتواند در منطقه ای استراتژیک یعنی ایران و یا ترکیه یک دولت جدید که بخشی از جماهیر شوروی باشد را تاسیس کند تا به این صورت بتواند وجهه کارآمدی خود را در چشم استالین پررنگ تر کرده و در راس هرم قدرت سهم بیشتری از توان سیاسی به دست آورد. برای این پروژه که طراح اصلی آن بریا بود دو طرح جداگانه آماده میشود: (۱) ایجاد یک منطقه جدید در آذربایجان ایران با استفاده از توان آذربایجان شوروی که این طرح توسط دوست، همکار، و هم سیر بریا میرجعفر باقراف داده میشود؛ (۲) ایجاد یک منطقه جدید در آناتولی شرقی با استفاده از توان ارمنستان؛ در این طرح ارمنه با استفاده از ادعاهایی که در اواخر جنگ جهانی نخست داشتند همچون آن دوره دست به شورش و ناامنی در مناطق آناتولی شرقی میزنند و پس از آن بخشهایی از شرق آناتولی به دست ارمنه می افتد. در هر دو طرح گردها نقش عقبه استراتژیک داشته اند و قرار بر این میشود که چه در ایران و چه در ترکیه اگر طرحی برقرار شود کردها به عنوان حامی عمل کنند. رقابت کلاسیک ارمنی آذری در این طرح نیز آغاز میشود؛ اما بریا با توجه به نزدیکی و دوستی خود با باقراف و نیز استدلالهای گسترده ای که باقراف در مسکو برای اولویت و ارجحیت آذربایجان ایران ارائه میدهد نهایتاً طرح شماره یک تصویب میشود. جمعیت بیشتر آذری ها، وجود منابع نفتی و معدنی در اراضی آذربایجان ایران و کردستان (و البته خوزستان ایران شاید!)، نبود اوتوریتیه مرکزی در ایران و وجود رابطه نزدیک مسکو با آنکارا از عللی بودند که بریا را متقاعد به ترجیح گزینه اول میکنند و نهایتاً فعالیت های لازم برای تاسیس فرقه دموکرات در ایران آغاز میشود. ... چند نکته و پرسش تاریخی وجود دارد که اگر بر روی آنها تامل بیشتری انجام شود شاید زوایای قابل توجهی از تاریخ فرقه دموکرات روشنتر شود: (۱) نقش ارمنه در مساله اختلاف حزب توده و فرقه تا چه حد بوده است؟ (۲) نقش لابی آذری و ارمنی در سفارت شوروی در تهران در روی کار آمدن و شکست خوردن فرقه تا چه حد تاثیرگذار بوده است؟ (ممداف در کتابش به این موضوع با ارائه اسنادی اشاره میکند.) (۳) نقش رقابت سیاسی و کارشکنی های پشت پرده جناح ارتش در شکست پروژه فرقه تا چه حد بوده است؟ (۴) آیا به هنگام سفر هیئت ایرانی به مسکو دیداری بین هیئت ایرانی و جناح ارتش وجود داشته است؟ (۵) چرا ترکیه آتاترکی از توان لابی در مسکو برخوردار بوده اما ایران رضاخانی از چنین توانی محروم بود؟